

# غم در موسیقی ایرانی

- نگرشی بر غم در موسیقی
- نوشته: مجید کیانی
- مؤسسه فرهنگی سروستا



آیا موسیقی ایرانی موسیقی غمگین و یاس‌آوری است؟ و آیا تعریفی از غم منفی و غم نشاط‌آور، در موسیقی علمی وجود دارد؟

کتاب «شناخت موسیقی» از جمله پژوهش‌های فرهنگی برگزیده سال ۱۳۷۶ می‌باشد که در مقام پاسخگویی به این پرسشها است. موضوع اصلی این کتاب، ارتباط موسیقی مراسم عزاداری بویژه مراسم سینه‌زنی با موسیقی دستگاهی (ردیف) ایرانی است.

دربارۀ نتایج این پژوهش با آقای مجید کیانی موسیقی‌دان و پژوهشگر پر تلاش کشورمان به گفت‌وگو نشستیم.

حزن‌آلود و موسیقی افسرده‌ای است یا نه؟ و به منظور دستیابی به روشها و شیوه‌های تحقیق مدت سه سال ونسیم در دانشگاه سوربن پاریس در رشته موسیقی‌شناسی شروع به تحصیل کردم و پس از سالها تحقیق و شاید بیست سال طول کشید که دریافتم آن چیزهایی که روی هنرهای ایرانی از جمله موسیقی تأثیر می‌گذارد قبل از همه طبیعت ایران است البته مفهوم طبیعت در این جلوه‌های زیبای خداوند است و بعد از آن تفکری است که از طبیعت یا فرهنگ سرچشمه می‌گیرد و تأثیرگذار می‌باشد.

○ از چه روشی در این پژوهش استفاده نمودید؟

● تحقیقی را که در زمینه «موسیقی مذهبی» انجام دادم در بخش مراسم نوحه خوانی، سینه‌زنی و مراسم عزاداری تحت عنوان «نگرشی بر غم در موسیقی ایرانی» و با نام «نوا» می‌باشد.

از بین ۱۰۰ ساعت اجرای نواها و قطعات مختلف شهرستانها چهار ساعت موسیقی را انتخاب و از این چهار ساعت حدود ۱۰ نمونه خیلی خوب، بکر و تحریف

پژوهشگاه عالی مطالعات فرهنگی

– موسیقی خانقاهی یا خانقاه که این نوع موسیقی

نیز ریتمها و آهنگهای مخصوص به خود را دارد

– موسیقی دیگری که در دهه‌های اخیر گسترش

فراوانی یافته است «موسیقی روز» یا «موسیقی

شهری» است که بیشتر جنبه «عامه‌پسند» دارد.

نوع دیگر، موسیقی ترکیبی است که در واقع ترکیبی

از فرهنگ غرب با فرهنگ ایرانی یا شرقی است. این

اندیشه از سوی روشنفکرانی که به اروپا رفتند مطرح

شد که چون موسیقی ایرانی با حمله‌ها و جنگهای

مغولان و تاتارها رنگ غم و اندوه به خود گرفته است

پس نیاز به تحول دارد و باید موسیقی نشاط‌آور را

جایگزین آن کرد. چنانکه در یک قرن اخیر این تفکر در

میان جوانان و روشنفکران اشاعه فراوانی یافت.

○ شما به تازگی کتاب و نواری تحت عنوان «شناخت

موسیقی» منتشر کرده‌اید. انگیزه شما از این پژوهش چه

بوده است؟

● برای بنده جای سؤال بود که تحقیق کنم و

بینم که آیا واقعاً موسیقی ایرانی موسیقی غمگین،

○ اجازه دهید گفتگو را با این پرسش آغاز کنیم که به

نظر شما مهمترین مشخصه‌های موسیقی ایرانی چیست؟

● ما در کشوری زندگی می‌کنیم که در زمینه

موسیقی بسیار غنی هستیم و با اینکه بعد از اسلام

موسیقی با حرمت‌هایی همراه بود و گسترش زیادی

نمی‌توانست پیدا نماید با توجه به این شرایط موسیقی

گسترش زیادی یافت.

با گذشت زمان انواع مختلف موسیقی به وجود آمد

که مهمترین آنها را می‌توان به انواع ذیل تفکیک نمود:

– موسیقی رسمی که همان موسیقی ایرانی یا

موسیقی دستگاهی ردیف است.

– موسیقی نواحی یا سایر نقاط ایران که هر منطقه

یا استان موسیقی خاص خود را دارد که گاهی اوقات به

اشتباه «موسیقی محلی» به آن می‌گوئیم.

– موسیقی مذهبی که شامل: تعزیه، نوحه خوانی،

مداحی، سینه‌زنی

– موسیقی ورزشی: که ریتمها و آهنگهای خاصی

دارد

□ نمونه اول: موسیقی مراسم سینه زنی جنوب

مدت 1'15

□ مقایسه با قسمت رهاوی شهر آشوب شور

مدت 0'55

بنوا آمد و چون...

به سراپرده چو گل



نشده که تمامی ویژگی‌های یک موسیقی خوب را دارا باشد را انتخاب و کار بر روی آنها را آغاز کردم.

نمونه‌های کلی و مقایسه آهنگهای مراسم سینه زنی با گوشه‌های موسیقی دستگاهی عبارتند از:

۱) مراسم سینه زنی جنوب یا گوشه «رهاوی» شهر آشوب شور

۲) مراسم سینه زنی جنوب یا گوشه «حسینی» در دستگاه نوا

۳) مراسم سینه زنی یزد یا قسمت «نهضت» شهر آشوب نوا

۴) مراسم نوحه خوانی و مقایسه آن با تصنیف بیان ترک

۵) مراسم سینه زنی (ترجیع بند) با موسیقی کنونی

۶) مراسم عزاداری جنوب با رنگ «دلگشا» در دستگاه سه گاه

۷) مراسم سینه زنی لرستان یا گوشه «آواز» در دستگاه ماهرور

۸) مراسم عزاداری آذربایجان با دستگاه هما یون

۹) مراسم عزاداری تهران با رنگ «حربی» در بیان ترک

۱۰- اجرای دستگاه نوا بر اساس نمونه‌های ارائه شده

البته می‌دانید که: در هر غم حقیقی نوعی شادی نهفته است که باعث انبساط خاطر انسان می‌شود. از طرفی اگر انسان موسیقی را خوب درک کند و بتواند با آن ارتباط برقرار کند از این جهت اگر با رعایت اصول فرهنگی، هنری یا علمی اجرا شود، اگر غم‌انگیز یا فرح‌انگیز باشد امیدافزا و جان‌پرور خواهد بود. در غیر این صورت آن موسیقی یأس‌آور و خسته‌کننده است.

آنچه که به عنوان غم در موسیقی ردیف دستگاهی و مراسم عزاداری مطرح می‌شود نه تنها وجود خارجی و عینی ندارد بلکه روند و حرکت نغمه‌ها و احساس درونی آنها بیشتر حالت و فضای سرود و سرور دارند جایی که روایت‌ها، مصیبت‌ها و سوگ‌ها بیان می‌شوند، موسیقی بیشتر حالت حماسی و عاشقانه به خود می‌گیرد تا افسردگی و محزونگی.

این احساس شنونده است که از شنیدن وقایع جانگداز احساس غم در موسیقی می‌نماید. در حالی که، نمونه‌های بسیاری از آهنگهای مراسم عزاداری و سینه زنی بخصوص وقایع کربلا که اجرایی مردمی و فرهنگی دارند، احساس حرکت نغمه‌ها امیدافزا و جمله‌های موسیقی، حالت و فضایی سرشار از نشاط، امید و زندگی دارند.

چنانکه از موسیقی مراسم سینه زنی شهرهای جنوبی ایران که دارای سابقه فرهنگی بسیار کهن هستند نمونه‌ای در دست است که فواصل آن در مقام «راست» است. فواصل مقام راست منطبق با بسیاری از گوشه‌های موسیقی ردیف دستگاهی است مانند گوشه رهاوی در دستگاه شور و سه گاه.

وزن یا سرعت نوحه بتدریج تند می‌شود. گردش نغمات بخصوص دور ایقاعی آن که خفیف زمل تَن تَنَن از دور اصلی و زَشان (ثقیل اول) است، همانند قسمت «رهاوی» رنگ شهر آشوب شور می‌باشد.

در آوانویسی و نت‌های فوق اتصال نکات مشترک خط اول و دوم به یکدیگر در واقع جهت و روند حرکات را نشان می‌دهد که در کجا و چقدر با هم انطباق دارند.

البته مقایسه نمونه‌ها بر اساس شباهتهای ظاهری و قالب مشخص آهنگ‌ها نیست بلکه مقایسه‌ایست که سعی دارد محتوای درونی و اصالت‌های فرهنگی و محورهای مشترک را مشخص کند.

○ اثرات امیدآور بودن موسیقی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ و ارتباط آن با دیگر هنرها چگونه است؟

● من باب مثال یکی از ویژگی‌های مهم موسیقی سنتی ایران که نغمات و جمله‌های موسیقی را از حالت افسردگی و تخدیر دور می‌سازد، تأکید و حرکت انتهای برخی از نغمات است. هرگاه انتهای نغمه‌ای به سمت صدای زیرتر یا ارتعاش بیشتر ختم شود، جهت حرکت نغمه‌های موسیقی که به سمت بالا یا اوج است، در انسان می‌تواند احساس استواری، متانت و امید بوجود می‌آورد و برعکس آن، یعنی اگر جهت نغمات از زیر به یم باشد، احساس خمودگی، غمگینی و دلسردی بوجود می‌آید.

البته چنین نیست که جهت انتهای همه نغمات موسیقی به سمت زیر یا یم باشد بلکه چگونگی تکرار و نسبت آنها، چگونگی تنظیم فواصل، گردش نغمات و وزن هم در به وجود آوردن احساس سرور و انبساط خاطر مؤثراند.

اگر بخواهیم آهنگی با طرز تفکر فوق بسازیم و آهنگ ما دارای حرکت و پویایی باشد و در ذهن، امید ایجاد کند باید نغمات ما بتدریج اوج بگیرد ولی آنگاه که از سمت بالا به سمت پایین می‌آییم حالت افتادگی به خودش می‌گیرد و خمودگی و افسردگی در ما ایجاد می‌کند و برای اینکه این تعادل در موسیقی برقرار شود جهت و حرکت گردش نغمات به سمت اوج بخصوص اشاره‌های انتهای نغمات ضروری است.

این موضوع با مقایسه موسیقی ایرانی با دیگر هنرها آشکار و بخوبی درک می‌شود. چنانکه اگر بخواهیم موسیقی را با هنر معماری اسلامی مقایسه کنیم. به هنگام قرار گرفتن در فضای معماری اسلامی درمی‌یابیم که زاویه‌ها و خطوط نمادین و محرابی که به آن «مقرنس» می‌گوییم بگونه‌ای است که سرعت و به طور ناخودآگاه سر را به سوی آسمان بالا می‌برد و به

اصطلاح فکر انسان به سمت اوج: تعالی رفته و در نتیجه القا اندیشه و تفکر یکتا پرستی در انسان قوت می‌گیرد. علاوه بر آن کاربرد رنگ فیروزه‌ای و آبی نیز نماد آسمان است. نقوش، کاشی‌کاریها، گره چینی‌ها، رنگها و تزیینات داخلی این بناها همگی تداعی‌گر موسیقی هستند و چون عنصر ما در موسیقی «صوت» است به آن موسیقی می‌گوییم ولی آنجا که عنصر ما حجم و فضا است، معماری است که آنهم با موسیقی وجوه مشترک دارد.

از این لحاظ می‌توان گفت اشاره‌ها و گردش نغمات در موسیقی همان زاویه‌ها و خطوط مقرنس‌ها و یا محرابی هستند که فکر و ذهن شنونده را به سوی تعالی سوق می‌دهند. اگر به خوشنویسی ایرانی نیز توجه کنیم دقیقاً همانند موسیقی و گردش نغمات آن می‌باشد.

○ آیا ممکن است سلیقه‌ها در طول تاریخ تفاوت کند و سلیقه یک ملت در مورد یک نوع موسیقی تغییر پیدا نماید؟

● بله سلیقه‌ها نقش خیلی مهمی دارند. هدف این است که وقتی موسیقی را اجرا می‌کنیم و یا قطعه‌ای را می‌سازیم در دل شنونده امید و نشاط معنوی ایجاد نماید نه اینکه با شنیدن یک قطعه، غمگین و افسرده شود و بدبینی در او ایجاد نماید. از نظر ما این موسیقی نیست و مضر است تأثیر موسیقی در زندگی از نظر عاطفی بسیار قوی است. به طوری که امروزه بدون موسیقی نمی‌توانیم زندگی کنیم مگر صدا و سیما می‌تواند حتی برای یک لحظه بدون موسیقی برنامه‌ای داشته باشد. باید گفت تمامی مراسم آیینی و مذهبی ایران بدون موسیقی هیچ است و نمی‌تواند پابرجا باشد. برخی از انواع موسیقی که مادر اینجا از آنها نام می‌بریم جنبه تقدس دارند، وقتی آیه شریفه قرآن با صوت و آهنگ بسیار زیبا تلاوت می‌شود این در واقع موسیقی است و نمی‌توانیم به آن موسیقی نگوییم، اما به علت اشاعه موسیقی کاذب در جامعه ما نام «موسیقی» در اینجا مظلوم واقع شده است. تعریفی که می‌توانیم از موسیقی داشته باشیم به معنی «الحان» است و «الحان» جمع «لحن» است و «لحن» هم یعنی «آهنگ» و «آهنگ» هم یعنی هر نغمه‌ای که در گردش نغمات زیبایی نوشته یا ساخته شده باشد و دارای اوزان مخصوص و در عین حال نیز ملایم و زیبا باشد.

○ ارتباط اشاره‌ها با غم منفی و نشاط چگونه است؟





## جنگ قوت ملام

● در زبان فارسی اکثر واژه‌ها از نظر سیلاب کوتاه هستند مثلاً فرض کنید در این شعر:

خبرت هست که بی روی تو آرامم نیست  
خبرت اهست که ای لروی اتو آرامم انیست  
با اندکی دقت می توان دریافت که ضربه‌های ریتمی یا وزنی در این شعر موجود است.

انگار یک ضربه است و یک کشش و یک اشاره. انتهای بعضی از این کشش‌ها و یا ضربه‌ها به یک نغمه بسیار ظریف و حساس ختم می‌شود که اصطلاحاً به آن «اشاره» می‌گوییم و در موسیقی ایرانی «اشاره‌ها» هستند که «رمزگفته» می‌شوند.

در همه هنرها معنا حرف اول را می‌زند، در موسیقی اول معناست بعد اجرا کردن، در خوشنویسی اول معناست بعد نوشتن و اگر به هنر خوشنویسی درست نگاه کنیم خطوط آن به گونه‌ای هستند که فکر را به سمت معنا می‌برند. در موسیقی ایرانی اشاره‌ها معمولاً بیشتر بسوی اوج و به سمت زیر صداگرایش دارند تا به سمت بم. اگر اشاره‌ها را به سمت پایین اجرا کنیم و این عمل را بسیار تکرار کنیم از نظر تأثیر موسیقی حالت افسردگی و «غم منفی» برای انسان به وجود می‌آورد و

اما اگر اشاره‌ها را آرام آرام بسوی اوج بکشانیم در واقع فکر و روح را به تدریج بسوی تعالی و معنویت می‌کشانیم که این عمل در انسان «نشاط» بوجود می‌آورد.

اصل این پژوهش بر این مبنا بود که آیا مراسم سینه‌زنی و نوحه‌خوانی که توأم با غم و اندوه اجراء می‌شود آیا بر شنونده «تأثیرات منفی» می‌گذارد یا در آنها «نشاط معنوی» ایجاد می‌نماید. آیا روحیه فداکاری، شجاعت و از خودگذشتگی را در ما ایجاد و تقویت می‌کند که این تحقیق به این سؤال پاسخ آری داده است.

○ تأثیر دیگر فرهنگها بر موسیقی و اشاعه موسیقی مردم‌پسند (عامه‌پسند) را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

● متأسفانه امروزه تأثیراتی که فرهنگهای دیگر روی موسیقی ما گذاشته‌اند بسیار زیاد است و از طرفی بسیاری از موسیقی‌دانها، نوحه‌خوانها یا نوازندگان، تحت تأثیر این مسائل، ویژگیهای مثبت را نادیده گرفتند و گفتند قسمتی از موسیقی ما خرافاتی است و قسمت دیگر، موسیقی (Fenotic) یا عقب مانده است و باید اینها را کنار گذاشت. در حالی که همگی این مسائل

نیاز به شناخت داشتند و این کار باید بر مبنای آگاهی صورت می‌گرفت تا بتوانیم سره را از ناسره و خرافات را از غیر خرافات باز بشناسیم و چون راه خطا را پیمودیم در نتیجه خرافات را بجای واقعی و درست حفظ کردیم و درست و واقعی را کنار گذاشتیم امروزه برخی از اشخاص بعنوان روشنفکر احساس مسئولیت می‌کنند و هنرهای سنتی و معنوی را زیر سؤال می‌برند و جوانانی هم که این تقدما را می‌خوانند بعلت اینکه در شرایط روز و جامعه قرار دارند فوراً شیفته آن می‌شوند که موسیقی روز باید موسیقی نشاط‌آور باشد نه غم‌انگیز و حزن‌آور. در حالی که تحقیق و بررسی بخوبی نشان می‌دهد که موسیقی مورد نظر آنها موسیقی غمگین و یأس‌آور است. بعنوان مثال آن موسیقی را که امروز از رسانه‌های گروهی می‌شنویم تا به اصطلاح به جوانان روحیه و نشاط بدهد، کارشناس موسیقی است که می‌تواند نظر بدهد این نوع موسیقی تأثیر مثبت می‌گذارد یا خیر.

در ارتباط با موسیقی عامه‌پسند یا مردم‌پسند باید گفت: انواع موسیقی مردم‌پسند کنونی که حالت نشاط یا غم دارند به هیچ رو با آهنگها و اجراهای «موسیقی جدی یا هنری» به دلیل ویژگی‌های فرهنگی و

اصالت‌هایی که دارند همانند نیستند. زیرا در موسیقی مردم‌پسند کنونی نوعی غم یا شادی مصنوعی وجود دارد که بیشتر حالت افسرده و یأس‌آور دارند، نه زنده و امیدافزا.

نوآوری ناپسندی که در موسیقی کنونی به چشم می‌خورد باعث بی‌اعتنایی به فرهنگ و هنر موسیقی اصیل می‌شود که امروز در تاریخ موسیقی‌مان تا حدودی با آن مواجه هستیم.

«آن دانلیو» موسیقی‌شناس می‌نویسد: «ملل مختلف فقط در صورتی وجودی پر دوام و حقیقی دارند که اصالت هنری و فرهنگی - تاریخی داشته و صاحب چیزی باشند که خاص آنهاست.»

○ از نظر جغرافیایی کدامیک از مناطق، موسیقی عزاداری خود را طبق سنت‌ها و سبک‌های گذشته حفظ و در کدامیک از مناطق تغییر یافته است؟

● مناطق جنوب ایران به ویژه بوشهر این مورد را خیلی خوب حفظ کرده‌اند و دلیل آن هم این است که در زمان دیلمیان این مناطق برای مراسم عزاداری اهمیت فوق‌العاده‌ای قائل بودند. دومین منطقه اردکان یزد است و متأسفانه برخی از شهرهای بزرگ مانند تهران نتوانستند سبک‌های اصیل و قدیمی را حفظ نمایند و در این زمینه دستخوش تغییر شده‌اند. ما با نوآوری و خلاقیت مخالف نیستیم بلکه استقبال می‌کنیم شرط آن این است که تأثیرات مثبتی بر شنونده بگذارد و در او نشاط واقعی ایجاد نماید و در این زمینه شاید بتوان از موسیقی پاپ نیز استفاده کرد و در این میان آهنگها، سازها و موسیقی مشکلی ندارند، بلکه اشکال واقعی اجرای نادرست آن می‌باشد.

آنجا که هنرمند احساس‌های شخصی خود را در موسیقی دخالت می‌دهد خواه ناخواه این احساسها روی موسیقی‌اش تأثیر می‌گذارد. در حالی که احساس در اینجا یک «غم اجتماعی» است نه «غم فردی» و اگر احساس فردی باشد «غم منفی» می‌شود در غیراینصورت «غم اجتماعی» حالت «غم مثبت» را باز می‌یابد.

○ شما در انتهای پژوهستان یک نتیجه‌گیری نیز کرده‌اید ممکن است آنرا بیان کنید.

● بله آن نتیجه چنین است: «برخلاف آنچه گفته می‌شود که موسیقی مراسم عزاداری واقعه کربلا و موسیقی ردیف دستگاهی ایران غمگین و محزون است، این موسیقی نه تنها غمگین نیست بلکه بیشتر حالت و فضای عاشقانه و حماسی دارد، و از طرفی اگر جنبه‌های معنوی حماسه کربلا را در نظر آوریم، شهادت: گواهی دادن، و شهید: حاضر، و شاهد: اثریست که مشاهده در قلب ایجاد می‌کند و آن مطابق است با حقیقت آنچه که از صورت مشهود بر قلب ظاهر می‌شود.

مسئله چنین حقیقت بزرگی، افسردگی و نیستی نیست بلکه نشاط و جاودانگی است، هدف موسیقی ایرانی هم نشانی جز از عالم غیب نیست.

سرود، نیایش و نشاط معنوی است، نه افسردگی، خمودگی و تخدیر.

موسیقی ایرانی مدام در مبارزه و ستیز با غم منفی یا شادی کاذب است.

چنانکه حافظ می‌گوید:

کنون چه چاره که در بحر غم بگردابی

فستاد زورق صبرم ز بادبان فراق

بسی نماند که کشتی عمر غرقه شود

ز موج شوق تو در بحر بیگران فراق

○ چه راهکارهایی برای بهبود وضع موجود پیشنهاد می‌کنید؟

● موسیقی هم مانند سایر پدیده‌های هنری دو نوع است: یک نوع آن «موسیقی تفریحی و تفریحی» است که جنبه سرگرمی دارد و اگر عوارض جانبی نداشته باشد بعنوان تفریح سالم قابل اجرا و شنیدن است و دولت باید شرایط اجراء و شنیدن آنرا برای عموم فراهم نماید.

نوع دوم: موسیقی دیگری است بنام «موسیقی جدی»، «موسیقی معنوی» یا «موسیقی فرهنگی». ما در جامعه خود دچار این مشکل هستیم که به موسیقی اهمیت و توجهی نمی‌شود. در نتیجه این تفکیک را انجام نمی‌دهیم و متأسفانه همه جا با شنیدن کلمه «موسیقی» «موسیقی تفریحی» به ذهن متبادر می‌شود. مثلاً به هنگام تولد ائمه اطهار علیهم‌السلام یک گروه را دعوت و شادی می‌کنیم ولی غافل از اینکه در تولد یک امام (ع) ما به نوعی موسیقی نیاز داریم که نشاط معنوی داشته باشد نه موسیقی تفریحی، اما متأسفانه پس از انقلاب اسلامی تمام گرایش‌ها به سمت و سوی موسیقی تفریحی است در حالی که موسیقی جدی و هنری وجود دارد و تمامی موسیقی‌های درست ما در همین وفات‌ها و شهادت‌ها هستند.

اگر مشاهده کنیم می‌بینیم که در ماه محرم سخنرانی‌ها کمتر است و بیشتر مراسم نوحه‌خوانی و سینه‌زنی است به همراه موسیقی و نه فقط موسیقی بلکه موسیقی توأم با حرکات موزون به هنگام اجرای مراسم نوحه‌خوانی و سینه‌زنی است.

از مسئولان محترم می‌خواهم برای موسیقی اهمیت و ارزش قائل شوند. چرا برای یک کلام و واژه فارسی سمینار برگزار می‌کنیم، برای یک دانه گیاه سمینار برگزار می‌کنیم البته برای این موارد سمینار نیاز است ولی برای موسیقی که غذای روح یک ملت است نمی‌خواهیم هیچ سمیناری برگزار کنیم.

بنده بارها پیشنهاد برگزاری سمینار موسیقی را نمودم اما هیچکس حاضر نیست چنین کاری بکند و با به میان آمدن نام موسیقی می‌گویند مگر موسیقی سمینار می‌خواهد، می‌خواهند سازی بزنند و شادی کنند. از طرف دیگر آموزش و پرورش باید در برنامه‌های درسی خود تجدیدنظر کند. بچه‌های ما باید با موسیقی آشنا شوند و بتوانند در آینده موسیقی درست را انتخاب و گوش کنند و برای این کار باید به آنها شناخت بدهیم تا بتوانند موسیقی درست و واقعی را از نادرست و غیرواقعی تمیز و تشخیص بدهند.

همچنانکه جوانان ما امروزه در زمینه موسیقی شناخت درستی ندارند و به آنها گفته نشده است که کدام نوع موسیقی خوب است و کدام نوع خوب نیست، کدام روح ترا با نشاط و کدام روح ترا افسرده و غمگین می‌کند.

